

میدون و سوفیا

ما دقیقا کجای پیازیم؟



پویریا عالمی

- سلام سوفیا.

ایـن نامـه را که برای تو می نویسم مشغول غلط‌کردم‌گفتن هستم، چراکه هر‌جا که می‌روم می‌گویند پسِ اعتدال چه‌کار کرد؟ پس لیست امید مجلس چه‌کار کرد؟ پس لیست امید شورای شهر چه‌کار کرد؟ اصلا شورای شهر هیچی، پس «همه افراد دو فهرست» چی‌کار کردند؟

می‌دانی سوفیا، من نه ته پیاز هستم، نه سر پیاز. من دقیقا وسط پیاز هستم و وسط پیاز هم لایه‌های بسیاری دارد. به همین دلیل همه مردم کوچه و بازار، میادین میوه‌و‌تره‌بیار، ترمینال‌های مسافربری، جوانان دوردورکن در نقاط مختلف شهر، جوانان کمپکن در کویر، جوانان مهاجر، جوانان در حال مهاجرت، جوانان بی‌کار، بی‌کاران پیر، کارگران هفت‌تپه، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، مردم عادی و مردم غیرعادی، مسافران خارج و خارجی‌های مسافر و کسی و کی و حتی همین بایای سوفیا، می‌گویند کلا تقصیر من است که اوضاع این‌طوری است، چون در انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس و انتخابات شورای شهر و آن یکی فهرست، طبق پیشنهاد نقشه ویز اصلاح‌طلبان ما به سمت صندوق رفتم، تا اینجا‌ی کار هم عیبی ندارد. مسئله اینجا‌ست که ما رای‌هایی‌که انداختیم توی صندوق قرار بود گل کند که متأسفانه به دلیل خاک نامناسب، به‌جای گل‌کردن، بیشتر تبدیل به ژن خوب شد.

خب، مردم حق دارند! مسئله مردم این نبود که ژن‌های بد حق ندارند تخور‌پخور کنند که حالا اگر ژن‌های خوب بخورند اوکی باشد. از آن طرف مردم برمی‌گردند من را می‌بینند و می‌گویند: ای میدون دوم! ای بی‌خرد! ای عقلست کف پات! تو مگر نکفتی رای بدهیم درست می‌شود؟ چی درست شد؟ تورم کنترل نشد و گرانی برطرف نشد، هیچ، ۱۰ برابر شد. تحریم‌ها کم نشد که بیشتر شد. برجام که دستاورد دولت بود تبعات جسمانی پیدا کرد و هوا شد. کمر ریال شکست. گوشت شد کیلویی ۱۳۰ هزار تومان و حتی تخم‌مرغ را هم دیگر نمی‌شود خورد. اصلا بحث اقتصادی و قیمت اجاره‌خانه و خوردوخوراک و لباس و پوشاک به کنار، قبل از روحانی لالاق پونزده‌تا هنرمند مستقل داشتیم که بعد از روحانی سیبل ۹۰ درصد آنها هم چرب شد و الان دل در گرو آزنبای خوب (جمع ژن. ژنبای ژن‌های خوب و برتر) دارند.

می‌بینی سوفیا؟

مردم چپ می‌روند، راست می‌آیند می‌گویند تقصیر توست میدون دوم! حالا من چه بگویم؟

همین حوالی

اتاق خالی

● مهدی سلیمانیه در کانال تلگرامی دانشگاه علامه درباره فرهنگ که در جایی دیگر ساخته می‌شود، نوشته است که در ادامه بخشی از آن را می‌خوانیم: «صدف بیوتی» با یک میلیون و ۶۰۰ هزار فالوئر، «ساکن بند»، این دو نفر جوان خواننده، با میلیون‌ها فالوئر، «تللو» و صفحه‌های فراوان داب‌اسمش و طنز جوانان دهه‌هفتادی که میلیون‌ها دنبال‌کننده دارند. فرهنگ، دارد «جایی دیگر» ساخته می‌شود. چقه‌های خردسال پنج، شش‌ساله، خط‌به‌خط متسن ترانه‌های رپ و پاپ این گروه‌ها را حفظاند. دستگاه‌های رسمی و دولتی، با بودجه‌های میلیاردی‌شان، وزارتخانه‌های عرض‌وطول دولتی و مجلس و سازمان تبلیغات و فلان و بهمان که هیچ، روشنفکران و استادان علوم‌انسانی و اجتماعی دانشگاه‌ها و کنشگران سیاسی همه در روستای کوچکی جمع شده‌اند و بر سر هم دادوبیداد می‌کنند. فقط گاهی ناگهان مرگ یک پاشایی، فیلم‌های فراوان رقص دست‌جمعی ترانه ساسی‌مانکن یا راهپیمایی طرفداران تللو در خیابان‌های شهر، می‌آید و چشم‌های همه ما می‌رود. چون عبور یک کیکشان عظیم غربی‌ست، ما، هاج‌وواج، چند وقتی مشغول گفتن جملاتی در موردش می‌شویم. حضرات به فکر بگیروبیند و بودجه نهادهای فرهنگی و انداختن تقصیر(?) بر گردن مدیری می‌افتند و دوباره تا مواجهه عظیم بعدی، مشغول بحث‌های فاخر و سیاست‌گذارانه خودمان و خودشان می‌شویم. ذوق می‌کنیم که یک متن فلان جامعه‌شناس و بهمان حوزوی و شعار فلان مقام مسئول و فیلم فلان مسئول دولتی، صدهزار بار دیده شود. ما روشنفکران و جامعه‌شناسان هم از جامعه جا مانده‌ایم. تعداد پژوهش‌های علمی که درباره اینفلونسرها، اینستاگرام و بیوتی‌پلاگندها و منطق عمل آنها و کارخانه عظیم فرهنگی‌شان تولید شده است، چیزی نزدیک به هیچ است. پس از ۴۰ سال انکار، شکاف عمیق بین فضای رسمی و عرف، به نهایت رسیده است. عزیزان، حوزویان، مسئولین گرامی، باور کنید که «همه» در اقلیتیم. جامعه دیگر اینجا نیست، ما در اتاق خالی فریاد می‌زنیم.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

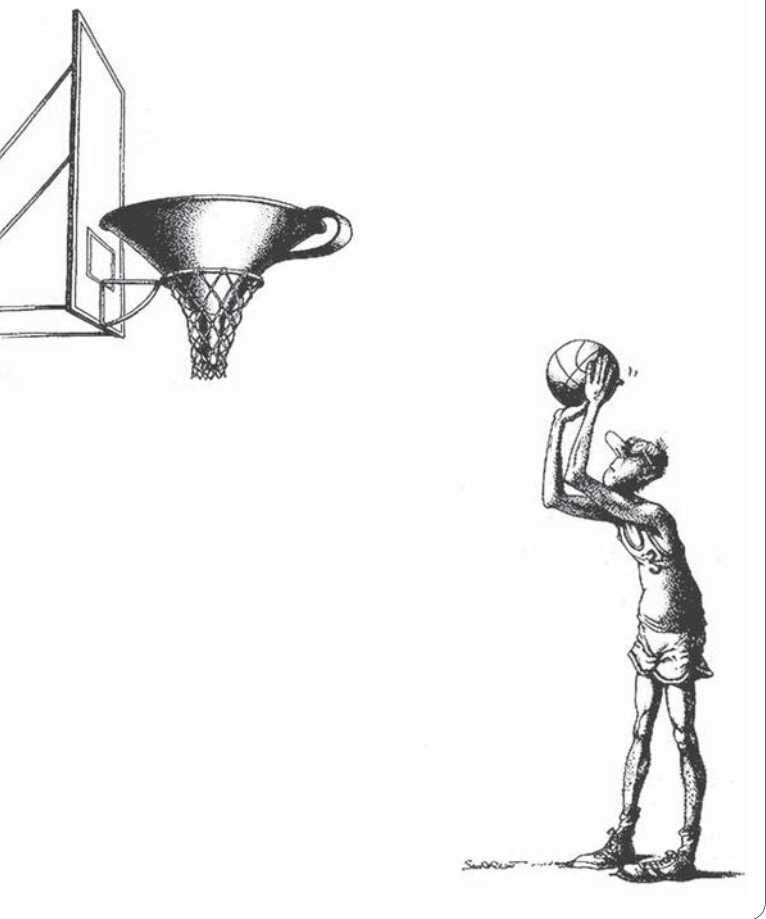
سه‌شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۸ • ۲۲ رمضان ۱۴۴۰ • ۲۸ می ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۳۸ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۳ • اذان صبح فردا ۴:۰۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنفرها

کار تون خواب



کلود سر



قلم سبز

داستان یک سد -۱

تلاش برای عبور ماهی‌ها

از ساخت سد به ۱۲ هزار پوند کاهش یافت. علاوه بر این، مخزن سد به تدریج بدل به دیوی پساب‌ها و پسماند‌های سخی ناشی از کارخانه‌های کاغذسازی و فاضلاب شهری شد - همان اتفاقی که بیم آن می‌رود در اغلب سدهای شمال کشور از جمله هراز و لاسک هم تکرار شود - الوارهای شناور از صنعت چوب در بالادست مانعی در جریان رودخانه بودند و پایین‌آمدن سطح اکسیژن ناشی از فاضلاب دلیل عمده گشتار ماهی‌ها شد. در سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی دیگر هیچ‌کس حاضر نبود برای شنا یا ماهیگیری به رودخانه کنی یک برود. اما شرایط به مرور با تصویب قانون Clean Water Act از سال ۱۹۷۲ بهتر شد. بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۰ ایالت مین صد میلیون دلار برای تأسیسات تصفیه آب رودخانه بهره‌مند خواهد شد. مخالفان سد کاملاً حق داشتند، اما این تنها مردم شهر آگوستا نبودند که این تغییر را حس کردند؛ برداشتن سد ادواردز به یک لحظه بنیادین در تاریخ جنبش محیط‌زیستی



محمد درویش



اسا مهم‌تر از همه، تخریب سد، سیکنالی قوی ارسال کرد برای تغییر فکر درباره چگونگی برقراری توازن بین محیط زیست و منافع اقتصادی. جان باروز، مدیر برنامه نیوانگلند از قدراسیون ماهی‌های آزاد آتلانتیک می‌گوید: «تخریب این سد بزرگ، نخستین تجربه و تلنگر مهم بود تا به آمریکایی‌ها نشان دهد: رودخانه‌های ما ارزش‌های به مراتب بیشتری از استفاده‌های صنعتی و برقایی دارند».

در واقع احداث این سد سبب ممانعت مهاجرت چندین گونه ماهی قزل‌آلا و شاه‌ماهی پشت‌کیبود شد که عادت داشتند بیش از ۴۰ مایل از اقیانوس اطلس تا رودخانه کنی‌ک و شاخه‌های آن را به منظور جست‌وجوی مکانی برای تخم‌گذاری ببیمایند. به عنوان مثال، صید ماهی خاویار در پایین‌دست کنی‌ک سالانه از ۳۲۰ هزار پوند پیش

هراز چندگاهی چندثانیه تصویر و چند جمله حرف از سیمای سراسری، ما جامعه پزشکی را به‌شدت متأثر کرده و به جوش می‌آورد؛ جامعه پزشکی‌ای که در وجه غالب خود بیشترین صدمات را از سیستم معیوب سلامت در کشور متحمل شده و به نوعی پس از بیماران، دومین قربانی آن محسوب می‌شود. در این اوضاع ناپسامان اقتصادی نه‌تنها رزق‌وروزی که بارها فراتر از آن کیفیت و حیثیت کاری را که شالوده وجودی است، در خطر می‌بیند. بنابراین جملاتی بی‌مقدار نه

از جهت موهن‌بودن آن - که هست- بلکه از جهت عدم درک و نبود کوچک‌ترین اشراف بر ریشه‌های بحران سلامت در عرصه عمومی است که پزشکان را می‌آزارد و این واقعیت که این عدم اشراف امکان بهبود اوضاع را هر چه دورتر و دورتر می‌برد. این‌گونه مسائل بارهاوبارها گفته شده و هر روز تکرار می‌شود. در این یادداشت بنا ندارم به این‌س موضوع بپردازم که رسانه ملی اساساً چگونه ساختاری دارد. درحالی‌که رسانه ملی ما به‌جای اشاره به واقعیات و مشکلاتی که وجود دارند و مراجع ذی‌صلاح آن را تأیید کرده‌اند، اجازه می‌دهد مسائلی کلی بدون تعیین‌تکلیف حقوقی آن و با تعمیم به تمام پزشکان از این رسانه پخش شود. چرا سازوکار حقوقی - مقصود انتشار خطایی‌که ابتدا توسط مرجع ذی‌صلاح مثلاً نظام پزشکی به اثبات رسیده باشد- در این رسانه جایی ندارد؟ (البته بدون



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

نام‌بردن مشخص، چراکه افشای نام خود مجازاتی مجزا محسوب می‌شود) مگر یکی از اهداف دانش حقوق و علم جزا استفاده از بازخورد آن در جلوگیری از خطا نیست؟ آیا مجادلاتی این‌چنینی ولو از جنس مطالبیه و مضحکه نسبت به رفتار حقوقی رفتاری بدوی‌تر نیست؟ همین رفتارهای بدوی و بدون منطق است که جامعه پزشکی را به این نتیجه رسانده که گویا دست‌هایی در کار اختلاف‌انداختن و سلب اعتماد فیما بین پزشکان و مردم هستند. این برداشت را نه می‌توان اثبات کرد و نه رد، اما قدر مسلم اینکه وجود چنین توطئه‌ای حداقل دارای منطقی است که عدم توجه به عواقب چنین برنامه‌هایی فاقد آن است.

از سوی دیگر در مقابله با این‌گونه رفتارها پاسخ جامعه پزشکی هم معمولاً تنها خیل نامه‌ها و کامنت‌ها در رسانه‌های واقعی و مجازی است. با استدلال‌هایی در جهت حقانیت پزشکان و نقش طیب در جامعه و در نهایت نامه‌های سرگشاده به مسئولان صداوسیما و اطلاع‌رسانی‌ا به ایشان درمورد نقش پزشکان در جامعه که گویا تاکنون از آن خبر نداشتند. گهگاه پاسخ نامه‌هایی هم با همین مضمون و در تأیید این جایگاه دریافت می‌شود و قضیه می‌خواهد تا یک‌بار دیگر همان موضوع تکرار شود و منظومه تعارفات متقابل، مانند یک دور باطل مجدداً و تا ابد تکرار شود. واقعیت آن است که در اینجا هم باید به اطلاع رساند؛ که از چندصد سال پیش، از شروع دوران روشنگری و حتی قبل از آغاز عصر مدرن رفتار حقوقی به‌عنوان بدیل قائلان‌تر و مدرن‌تر مجادلات اجتماعی یا به عرصه وجود گذاشته است. پزشکان عمومی که بنیاد سال‌ها تحصیلمان بر باد فناست، امکان کار ندارند یا در کتابخانه‌ها محبوس

زایوهای دیگر

دین‌گریزی در هیاهوی بازار سیاست

بازار سیاست و بهره‌گیری از کسوت‌های مذهبی برای دستیابی به مطاع خود در این بازار مکاره، روزبه‌روز بر دین‌گریزی‌ها دامن زده‌اند. برخی دیگر نیز با سوءاستفاده از برخی تریبون‌ها، با بی‌اخلاقی و بداخلاقی یا با تفسیر تنگ‌نظرانه و سلیقه‌ای از قرآن و سنت، اسلام‌ستیزی در دنیای امروز را رونق جدیدی بخشیده‌اند. در این میان، «تأزاز بین علما» و «نیاز جامعه به اخلاق» معضلات دیگری است که وزیر اطلاعات در سخنرانی خود ضمن اشاره به آنها، به‌عنوان راهکاری پیشنهادی برای رفع این معضلات و الزامات تأثیرگذاری بیشتر روحانیون و مبلغان بر جامعه می‌گوید: «پیشقدم‌شدن در خودسازی، بهره‌گرفتن از زبان مهربانانه، عامل به ارزش‌هایی که مردم را به آن فرامی‌خوانیم، افزایش بار علمی و معنوی خود، تأثیرگذاری روی باورهای مردم، تواضع و فروتنی، توجه به نیاز مخاطب و نوع بیان مسائل، بیان مطالب متقن، سخن‌گفتن با زبان لین و به صورت کریمانه و رفتار محبت‌آمیز با مردم از جمله آن الزامات است.»^{۱۲}

بی‌نوشت‌ها:

- ۱ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸، قم: https://fa.shafaqna.com/news/۷۴۳۷۷۸/
- ۲ ۱ جامع‌الصغیر، ج ۱، ۹۵ص: آقه‌الدین ثلاثه، فقیه قاجر، امام جابر، مجتهد جاهل: سه چیز آفت دین است: ۱- دانشمند بدعمل، فاسق و فاجر ۲- زعیم و پیشوای ستمکار ۳- مقدس نادان
- ۳ ۱ مطهری، مرتضی: اسلام و مقتضیات زمان ، ج ۱، صص ۸۰-۹۰/ ۴- همان، ص ۱۲۲
- ۵ ۱ مطهری، مرتضی: ده گفتار، ص ۱۰۸
- ۶ ۱ نهج‌البلاغه: خطبه ۱۳۶: امام علی(ع) درخصوص ظهور حضرت قائم (عج) می‌گوید: (او می‌آید) و زنده می‌کند قرآن و سنت مرد را.
- ۷ ۱ دانشمند زمان‌شناس و مصلح بزرگ مصری که شدیداً تحت‌تأثیر سیدجمال اسدآبادی قرار داشت. وی در میان اهل سنت، از معدود کسانی بود که در زمان خود علیه تاجر و جمود تشدید حاکم بر زمان خویش به‌ا خاست.
- ۸ ۱ حُمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۱، صص ۲۳۳- ۲۹۳ (پامی که در سوم اسفندماه ۱۳۶۷ خطاب به روحانیون، مراجع تقلید، مدرسین و طلاب حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات سراسر کشور صادر شده است).
- ۹ ۱ همان- ص ۲۷۸
- ۱۰ ۱ همان/ ۱۱- مطهری، مرتضی: نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر، ص ۹۱
- ۱۲ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸، قم: https://fa.shafaqna.com/news/743778/

آکادمی

جامعه پزشکی، صداوسیما و دانش حقوق

امتحانات پذیرش دستیارند یا در سفارتخانه‌ها و کلاس‌های زبان اروپایی دنبال راهکاری می‌گردند. اینها در ملا عام در برابر چشم دوستان و بستگان تحت توهین و تحقیر هم قرار گرفته‌اند. هزاران متخصص پزشکی و حتی وظایف زمین‌مانده تحقیقات پزشکی جوان هیئت علمی تمام‌وقت که با تعرفه‌هایی که از اندکی تنها در کتاب گیش می‌توان ثبت کرد در حال رفع‌ورجوع مسائل درمانی جامعه، رتق‌وفتق آموزش پزشکی و حتی وظایف زمین‌مانده تحقیقات پزشکی هستند. آنها هم یک‌بار دیگر تحت توهین و تحقیر قرار گرفته و اظهاراتی شنیده‌اند که امکان درک وضعیت ایشان و ریشه‌های بحرانی را که در آن گرفتار شده‌اند دورتر و دورتر می‌برد. دستیاران و دانشجویان پزشکی با جان‌هایی آکنده از آرزوهای بزرگ آمال و اهدافشان را به بهانه‌ای نامشخص از موردی که معلوم نیست چه بوده، آماج تحقیر دیده‌اند. به نظر نمی‌رسد جایگاه پزشکی که معیار عینی آن رتبه انتخاب در کنکور پزشکی است به راحتی در اذهان خانواده‌های ما و حتی خانواده‌های توهین‌کنندگان به این سادگی تنزل کند، اما پاسخ این برگزیدگان نامه‌های تکراری تمجید از پزشکی و نسبت، بلکه روش مدرن‌تر ویرگرد حقوقی است؛ فراخواندن توهین‌کننده به دادگاه صالحه‌ای است که بتوان با منطق پاسخ این مطالب را داد. گوینده را محکوم کرد- و با هر حکمی اصولی ساخت که هویت و حمیت کار پزشکی را در عمل تعریف می‌کنند؛ شکواییه‌ای که تنها سازمان نظام پزشکی باید ارائه کند و پیش برود. اینکه «شکایت به جایی نمی‌رسد» نمی‌تواند نادیده‌گرفتن بسترهای حقوقی موجود را توجیه کند. اتفاقاً این راهکارها هم تنها با آزمون و درخواست‌کردن است که صیقل پیدا می‌کنند.



صادق صدقگو
دکترای مدیریت رسانه

سیدمحمود علوی، وزیر محترم اطلاعات، مدتی پیش در گردهمایی مبلغان اعزامی در ماه رمضان گفته بود: «افرادی گرایش به مسیحیت پیدا می‌کنند که جزء افراد عادی جامعه هستند؛ مثلاً کارشان ساندویچ‌فروشی و امثال اینها بود و خانوادگی مسیحی می‌شدند، ناچار شدیم اینها را احضار کنیم و دلیل گرایش به مسیحیت را از آنها جویا شویم. برخی از این افراد عنوان می‌کردند که ما به دنبال دینی هستیم که به ما آرامش بدهد و بین ما صفا و صمیمیت و برادری ایجاد کند. به آنها گفتیم اسلام دین برادری و صفاست. گفتند ما می‌بینیم علمای اسلام و کسانی که پشت تریبون صحبت می‌کنند به طور مداوم علیه یکدیگر سخن می‌گویند، اگر اسلام دین صمیمیت باشد، باید قبل از هر چیز بین علمای خود صفا و صمیمیت ایجاد کند».^۱

واکاوی و تحلیل جامعه‌شناختی این‌س موضوع در تخصص کارشناسان حوزه مباحث امنیتی یا جامعه‌شناسی است، اما نیسی مکرم اسلام (ص)، مقدس نادان را یکی از سه آفت دین می‌داند ^۲ و شهید استاد مطهری نیز به‌عنوان یکی از متفکران اسلامی و توریسین‌های شاخص انقلاب اسلامی، نه‌تنها خطر جمود را کمتر از خطر جهالت نمی‌داند^۳ که از این منظر نه صرفاً عبدالرحمن بن ملجم که «جمود و خشک مغزی و خشک‌مقدسی» را عامل شهادت امام علی(ع) می‌داند.^۴ خطر ابتلای نظام‌های سیاسی، جنبش‌های مردمی و نهضت‌های اسلامی به نوعی تاجر و جمود فکری، موضوع مهمی است که استمرار آن می‌تواند منجر به آفت‌هایی مانند عوام‌زدگی، سطحی‌نگری دینی و واپس‌گرایی نظری شود. در این جوامع، به مرور زمان شریعت و مذهب مغفول مانده یا به‌گونه‌ای ناقص و تحریف‌شده جریان می‌یابد. چنین آیینی، جامعه پویا و متعالی را تبدیل به جامعه‌ای ایستا و مرده می‌کند و حتی به قول شهید مطهری، گراف نخواهد بود اگر گفته شود: «دین نیز در آن فرهنگ است».^۵ از دیدگاه شهید مطهری، تاجر و تحریف از مهم‌ترین عوامل انحطاط مسلمانان است. او در بررسی علل و عوامل آن، به تنزل جامعه اسلامی از پیشگامی در تولید علم و جایگاه علمی مولد و سرآمد (دانشمندی مانند ابن‌سینا، فارابی، غیاث‌الدین جمشید، ابوریحان، ابن‌هیثم، زکریای رازی، خوارزمی و...) به جایگاهی غیرمولد و مصرف‌کننده اشاره می‌کند و آن را نشانه‌ای

دختری باپیکان

فیلم ایران‌گردی دختر آلمانی با پیکان در شبکه‌های اجتماعی در حال انتشار است. «ریکا ایلکین»، دختر جوان آلمانی است که از سوی مؤسسه گوته برای تحقیق و پژوهش درباره نوستالژی‌ها و سنت‌های ایرانی که در حال فراموشی است، به ایران آمده؛ ایده‌ای که او به خرج داده، این است که یک پیکان اجاره کرده و معتقد است پیکان نماد دوره‌ای از شکوفایی اقتصادی و جزئی از فرهنگ ایرانیان همنس اوست؛ نشانه‌ای که اکنون کم‌رنگ شده است اما هر فردی در سن او حتماً خاطره‌ای با پیکان در تعطیلات دارد. او در گفت‌وگو با ایستا، می‌گوید: «پیکان نیز مانند فولکس واگن در آمریکاست. پیکان بخشی از حافظه جمعی مردم ایران است». او سفرش را از



اصفهان آغاز کرده است و مردم به او به عنوان «دختری با پیکان» خوشامد گفته‌اند. ماجراجویی او برای کشف برخی سنت‌های از دست‌رفته یا در حال فراموشی در ایران است. او از اصفهان به شهرکرد می‌رود و به یک عروسی بختیاری دعوت شده است. او مدتی هم در آن حوالی مشغول تحقیق می‌شود تا بخشی از فرهنگ و سنت‌های

پرنده آبی

فراموش شده را شناسایی کند. پس از آن در شیراز با همراهی یک معمار به سراغ خانه‌های قدیمی شیرازی با حیاط و حوض می‌رود تا بیشتر درباره آنها بداند و معتقد است: «افرادی که در خانه‌هایی با آن فضا و شکل زندگی می‌کردند، با نحوه زندگی افسرد در حال حاضر متفاوت است در واقع شکل خانه، آداب و فرهنگ متفاوتی را خلق می‌کنند». او به دنبال فرهنگ دور هم‌نشینی» در خانواده‌های ایرانی است که معتقد است اکنون در حال از بین رفتن است. او از آسپزی ایران، حمام عمومی و حتی راه‌رفتن پیکان شگفت‌زده شده است. ایلکین که سه هفته در ایران گشت و گذار کرده است، یک پیشنهاد جالب برای ما دارد؛ اینکه به ارزش‌های خودمان توجه کنیم، قدرشان را بدانیم و سعی کنیم آنها را حفظ کنیم.